



۲۰۲۱/۱۱/۱۳



دوکتور میر عبدالرحیم عزیز

صلح در افغانستان دیگر ساخت امریکا نیست

نوشته: سلمان رفیع شیخ ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز



علی رغم اینکه ایالات متحده بیست سال در افغانستان جنگید و پس از امضای قرارداد با طالبان تصمیم به عقب نشینی گرفت، پایان جنگ و خروج ایالات متحده طور خود به خود به "صلح" مبدل نشده است. عقب نشینی کاملاً غیرمسئولانه و توأم با هرج و مرج از افغانستان و متعاقب آن احیای مجدد داعش که گسترش آن دول همسایه آسیای مرکزی، روسیه، چین و پاکستان را تهدید می کند، این کشورها را مجبور ساخته است تا نقش فعالانه در تأمین صلح در افغانستان بگیرند و به روش هائی تهدید آمیزی که اکنون به دلیل ناکامی امریکا در از بین بردن داعش با آن مواجه هستند مجادله نمایند. داعش در زمانیکه اردوی ایالات متحده افغانستان را در اشغال خود داشت، در این کشور رشد کرد. نشست اخیر "فرمت مسکو" در روسیه دقیقاً در همین زمینه صورت گرفت. چند روز قبل از این مجلس، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، به وضاحت اظهار داشت که جنگجویان داعش در شمال افغانستان جمع شده اند و رهبری داعش به دنبال ارسال جنگجویان خود به عنوان پناهنده به آسیای مرکزی است. نتیجتاً، هدف از نشست (فرمت مسکو) ترسیم راهی برای مقابله با این تهدید و کمک به ثبات افغانستان بود.

کشورهای منطقه اکنون جریان صلح افغانستان را رهبری می کنند و همچنین آشکار است که ایالات متحده این طرح را به رقبای خارجی خود، بالخصوص روسیه و چین باخته است. فقط مانند سوریه، سیاست های ایالات متحده در افغانستان نه تنها قادر نشد که دشمنان خود را شکست دهد، بلکه حضور ایالات متحده اساساً نتوانست گسترش گروه های اسلام گرای افراطی را مهار نموده و شکست دهد. مزید بر آن، وضعیت اقتصادی کاملاً بدی است که افغانستان به دلیل کمبود

کمک هائی که این کشور در زمان اشغال ایالات متحده دریافت می کرد و این واقعیت که ایالات متحده به سادگی دارائی های مالی قانونی خود افغانستان را مسدود نمود، با آن مواجه است. بنابراین، بدتر شدن وضعیت اقتصادی احتمالاً به گروه های اسلامگرای افراطی کمک خواهد کرد تا افراد بیشتری را از داخل جنگجویان ناراضی طالبان و همچنین جوانان بیکار پیدا کنند. ازینرو، کشورهای (فرمت مسکو) از ایالات متحده می خواهند تا مخارج بهبود افغانستان پس از جنگ را به دوش بگیرد. طوریکه در بیانیه مشترک منتشر شده پس از این نشست آمده است، در حالیکه کشورهای منطقه تصمیم گرفته اند تا یک برنامه اقدام جمعی را برای رسیدگی به مشکلات افغانستان آغاز کنند، اما همچنان "بار اصلی بازسازی و توسعه اقتصادی و مالی پس از جنگ افغانستان باید توسط بازیگران نیرو های محور (ایالات متحده و ناتو) که در ۲۰ سال گذشته در این کشور بودند به دوش گرفته شود."

جدا از این واقعیت که ایالات متحده دیگر به عنوان یک جناح در جریان حالت پاکسازی افغانستان از افراط گرایی دخالتی ندارد، طرحی که "فرمت مسکو" پیشکش نموده عمدتاً مسیری را برای هدایت بازیکنان جریان منطقه ئی ترسیم می نماید تا ماورای منطقه ئی. همه پیشنهادات اصلی ارائه شده توسط این نشست نشان میدهد که چگونه ابتکار عمل برای صلح، آشتی و افراط زدائی در افغانستان از ایالات متحده به بازیگران منطقه ئی انتقال یافته است. به عنوان مثال، تأکید بیانیه مشترک بر تأثیرگذاری مستقیم بر طالبان به ضرورت مقابله و شکست داعش، شامل هیچ گونه نقش ایالات متحده و ناتو نمی شود. به همین ترتیب، ابتکار آنها برای تشکیل یک کنفرانس همه جانبه کمک کنندگان بین المللی تحت نظارت سازمان ملل نیز نشان می دهد که ایالات متحده دیگر تنها بازیگر نخواهد بود، اگر چه واشنگتن باید بخش عمده از کمک مالی مورد نیاز برای بازسازی افغانستان را به عهده بگیرد.

از جانب دیگر، میزبانی روسیه از این نشست اینطور معنی میدهد که مسکو به تدریج اما به یقین به عنوان بازیگر اصلی در افغانستان، مقام بالائی را بدست آورده و مانند سوریه، امریکا را جایگزین خواهد کرد. این واقعیت که روسیه در حال حاضر به عنوان بازیگر اصلی در حال ظهور است و کشورهای منطقه همه توافق کرده اند که از حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان حمایت کنند، به این معنی است که تلاش ایالات متحده برای تأسیس پایگاه های نظامی در آسیای مرکزی برای انجام حملات هوائی توسط طیارات بی پیلوت نیز به یک سکتگی دایمی مواجه شده است.

هر چند که، به دست گرفتن ابتکار عمل در افغانستان و صعود به مقام بالائی به معنای به رسمیت شناختن سیاسی رژیم طالبان نیست. در حال کنونی، حتی با وجود تمام سفرهائی که طالبان به روسیه، چین و سایر کشورها داشته اند، آنها همچنان به رسمیت شناخته نشده اند. به رسمیت شناختن، حتی برای روسیه، مشروط به توانائی طالبان برای اثبات تمایل خود از طریق عملکرد مشخص در اقدام علیه فعالیت گروه های رادیکال مختلف در افغانستان است. طوریکه معلوم میشود، روسیه همچنان طالبان را در زمره "گروه تروریستی" طبقه بندی می کند. اگر چه تعامل اخیرش با طالبان نشان می دهد که مسکو آنها را یک "واقعیت سیاسی" پنداشته، اما به رسمیت شناختن خود همچنان یک سوال بحث انگیز است، حتا اگر مسکو یکی از آن کشورهای است که سفارت خود را در افغانستان نبسته است.

اما تعامل مستمر مسکو خود نشانه مثبتی برای طالبان است که در غیاب هرگونه حمایت اقتصادی و سیاسی از سوی این کشورها میتواند شاهد فروپاشی رژیم خود باشند. علاوه بر کمک های اقتصادی و بشردوستانه ای که در این نشست به افغانستان وعده داده شده بود، قرار است نشست بعدی این اجلاس در ۲۷ اکتبر در تهران برگزار شود و جریان گسترش

بیشتر سایر مجامع چند جانبه را نیز شامل گردد. طوریکه لاوروف در سخنرانی افتتاحیه خود در نشست مسکو بیان کرد، "ما قصد داریم با توانائی های خود از جمله توانائی های ارائه شده توسط سازمان ملل متحد، سازمان همکاری شانگهای، سازمان پیمان امنیت جمعی و دیگر نهادهای چند جانبه دخیل گردیم. نکته مهم این است که هم سازمان همکاری شانگهای و هم سازمان پیمان امنیت جمعی میکانیسم بخصوصی دارند که سال ها پیش ایجاد شد و به تعامل با افغانستان و شناسائی راه هائی برای ارتقای ثبات در آن کشور اختصاص دارد.

این گام ها نه تنها نشاندهنده نفوذ فزاینده روسیه در افغانستان است، بلکه همچنان وانمود میسازد که چرا روسیه مصلحت میداند که کنترل خود را گسترش داده بدون آنکه آن را به ایالات متحده و متحدانش در ناتو برای ادامه تشدید اوضاع بسپارد. این یک حالت نظامی - سیاسی است که عمدتاً به قیمت امنیت همسایگان افغانستان در جنوب، غرب، مرکز و شرق آسیا تمام می شود. فرمت مسکو و گسترش سریع آن نشان می دهد که چگونه دول منطقه به طور فزاینده ای عکس العمل خود را به تهدیدی شکل میدهند که تا کنون کاملاً منطقه ای است، یعنی مستقیماً ایالات متحده را تهدید نکرده آنطوریکه این کشورها را مورد تهدید قرار میدهد.



برای مطالب دیگر دوکتور میر عبدالرحیم عزیز روی عکس کلیک کنید